

بررسی میزان اثربخشی نظام آموزش و پرورش در تربیت سیاسی و اجتماعی

دانش آموزان از دید دانشجویان دانشگاه فرهنگیان

اسماعیل جوکار^۱، سیده نجمه مولایی^۲، عباس اناری نژاد^۳، علی جوکار^۴

چکیده

از آنجا که آموزش و پرورش به عنوان مهمترین نهاد تعلیم و تربیت رسمی عمومی، متولی اصلی فرآیند تعلیم و تربیت در همه ابعاد و ساحت‌های تعلیم و تربیت در کشور می‌باشد، لذا در این راستا مطالعه حاضر در نظر دارد، موفقیت نظام آموزش و پرورش را در تربیت سیاسی و اجتماعی دانش‌آموزان مورد ارزیابی قرار دهد. جامعه آماری این پژوهش شامل دانش‌آموختگان دانشگاه فرهنگیان استان فارس می‌باشد که تحقیقی توصیفی از نوع پیمایشی است. برای انتخاب نمونه آماری، تعداد ۱۸۰ نفر دانشجوی به روش نمونه‌گیری در دسترس از بین تمامی دانشجویان ورودی ۹۳-۱۳۹۲ دانشگاه فرهنگیان استان فارس انتخاب شدند. برای جمع‌آوری داده‌ها، از پرسشنامه محقق ساخته استفاده گردید که روایی و پایایی آن با روش تحلیل گویه و آلفای کرونباخ محاسبه و مورد تایید قرار گرفت. با تجزیه و تحلیل آماری داده‌های گردآوری شده نتایج زیر حاصل گردید: (۱) از دیدگاه دانش‌آموختگان، نظام آموزش و پرورش در تربیت سیاسی و اجتماعی دانش‌آموزان موفق نبوده است. (۲) بین دیدگاه دانشجویان رشته‌های علوم تربیتی و علوم پایه دانشگاه فرهنگیان تفاوت معناداری وجود دارد. (۳) بین دیدگاه دانشجویان پسر و دختر در مورد میزان موفقیت نظام آموزش و پرورش در تربیت سیاسی و اجتماعی دانش‌آموزان اختلاف معناداری نشان داده نشد. بنا بر نتایج به دست آمده لازم است که مدارس به عنوان اصلی‌ترین عامل اجرایی در نظام تعلیم و تربیت در ساختار و چارچوب آموزشی، روش‌های یاددهی معلم، اجرای محتوای برنامه درسی، نحوه‌ی برقراری ارتباط با فراگیران و شیوه‌های ارزشیابی تغییراتی را اعمال نماید.

کلیدواژه‌ها: آموزش و پرورش؛ تربیت سیاسی؛ تربیت اجتماعی؛ دانشگاه فرهنگیان.

^۱ کارشناس علوم تربیتی اداره آموزش و پرورش شهر بالاده، نویسنده مسئول، cr.esmail@yahoo.com

^۲ کارشناس علوم تربیتی، عضو پرسنلی اداره آموزش و پرورش شهر بالاده، فارس، ایران

^۳ استادیار، دانشگاه فرهنگیان، پردیس شهید رجایی شیراز

^۴ مدیر دبیرستان آموزش و پرورش شهرستان فرابند دریاخت: ۱۳۹۶/۴/۱۲ پذیرش: ۱۳۹۶/۹/۲۰

مقدمه

امروزه آموزش و پرورش در بین تمامی جوامع از اهمیت خاصی برخوردار شده است؛ زیرا به عقیده بسیاری از دانشمندان تعلیم و تربیت، وظیفه آموزش و پرورش، تربیت شهروندانی است که بتوانند برای رشد و شکوفایی جامعه‌ی مردم‌سالار و تجدید بنای آن تلاش کنند و در صدد تربیت نسلی باشد که بتواند در دنیای پیچیده‌ی کنونی، هم بر سرمایه‌ی دانش خود بیفزاید و هم با افزایش قابلیت همبستگی و نقش‌پذیری خود در ایجاد فضای گروهی که مسئولیت چندجانبه و جمعی به بار می‌آورد، کوشش نماید (بهروش، ۱۳۹۱). حال می‌توان یکی از وظایف خطیر و اساسی آموزش و پرورش را تربیت فراگیران متناسب با این سازمان معرفی کرد؛ اگر تربیت را فراهم کردن زمینه‌های بالندگی، برکشیدن و متعادل کردن آدمی بدانیم و هدف از آن را فعلیت بخشیدن به استعدادهای بالقوه انسان‌ها در جهت کمال و قرب الهی در نظر داشته باشیم، نظام آموزش و پرورش در تحقق این امر نقش ارزنده و بسزایی دارد (میرحیدری، ۱۳۸۶) و این سازمان باید با توجه به ساحت شش‌گانه تربیت، دانش‌آموزان را به طور متوازن در حوزه‌های تربیت علمی و فناورانه، تربیت دینی و اخلاقی، تربیت سیاسی و اجتماعی، تربیت شناختی و هنری، تربیت دینی و جسمانی و در نهایت تربیت اقتصادی و حرفه‌ای رشد و پرورش دهد؛ به طوری که بتوانند در آینده عنصر مفید و مؤثری برای اعتلای اسلامی به حساب آیند (مبانی نظری تحول بنیادین در نظام تعلیم و تربیت رسمی عمومی جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۹۰).

حال با توجه به مطالب بالا می‌توان یکی از مهم‌ترین ساحت‌های شش‌گانه تربیت حوزه‌ی تربیت سیاسی و اجتماعی دانست؛ زیرا توجه به نیازهای سیاسی و اجتماعی، کودک را برای زندگی با دیگران و در اجتماع آماده می‌کند و بنا بر اینکه انسان یک موجود مدنی بالطبع است، توجه به نیازهای اجتماعی و سیاسی و تغییر و تحولات اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی از اصلی‌ترین گام‌های نظام آموزش و پرورش در جهت رسیدن به اهداف تربیتی می‌باشد؛ بنابراین مدارس باید مطابق نیازهای فراگیران برنامه‌هایی در جهت بهره‌مندی از رشد و تکامل اجتماعی طراحی کنند.

بی تردید اثربخشی نظام آموزش و پرورش امری مهم و حیاتی در تربیت سیاسی و اجتماعی به حساب می‌آید که، در حقیقت درباره‌ی اثربخشی تاکنون تعاریف گوناگونی ارائه شده است. در فرهنگ علوم تربیتی، اثربخشی به معنی میزان تحقق اهداف و انجام موفقیت‌آمیز مأموریت آمده است. به تعبیر دیگر اثربخشی به معنای عملکرد و کارایی مطلوب در تخصیص منابع می‌باشد (محمودی، ۱۳۸۶) و همچنین طبق نظر بختیاری (۱۳۸۶) به بیان دیگر اثربخشی نشان می‌دهد که تا چه میزان از تلاش‌های انجام شده نتایج مورد نظر حاصل شده است (تا چه حد به اهداف رسیده‌ایم)، در حالی که به نحوه استفاده و بهره‌برداری از منابع برای نیل به نتایج اهداف، به کارایی مربوط می‌شود. در واقع اثربخشی مرتبط به عملکرد (نیل به اهداف) و فراهم آوردن رضایت انسان از تلاش‌های انجام شده است و کارایی مرتبط با بهره‌برداری صحیح از منابع است.

به طور کلی نظام آموزش و پرورش قبل از هر چیز مستلزم انجام مأموریت در راستای تحقق اهداف و رسالت‌هایی است که این نظام در تربیت سیاسی و اجتماعی دانش‌آموزان بر عهده دارد. زیرا پایه‌های اصلی اثربخشی، ریشه در تربیت سیاسی و اجتماعی شهروندان جامعه دارد که می‌بایست در فرایند تعلیم و تربیت به مراتب قابل قبولی در زمینه‌های فوق دست یافته باشند و هنگامی می‌توان موفقیت و پیشرفت نظام آموزش و پرورش را اثبات کرد که این سازمان توانسته باشد به وسیله‌ی اقدامات و راهکارهای اساسی خود، درجه و میزان نیل به اهداف خود را تعیین کند؛ به عبارت دیگر اثربخشی سازمان است که نشان می‌دهد تا چه میزان از تلاش‌های انجام شده نتایج مورد نظر حاصل شده است.

لذا بر عهده گرفتن امر تربیت سیاسی و اجتماعی نه تنها از جمله وظایف مسئولین تربیتی، بلکه وظیفه حاکمان آن جامعه نیز می‌باشد (بهشتی و افخمی اردکانی، ۱۳۸۶) و از نظر سول^۱ (۲۰۰۳) تربیت سیاسی فرآیندی است که ناظر به تغییر نگرش سیاسی دانش‌آموزان و افزایش مهارت‌های مشارکتی و قابلیت‌های اجتماعی و ارزش‌گذاری آن‌ها نسبت به حقوق سایر شهروندان می‌باشد و تربیت اجتماعی را می‌توان عمل هدفمندی تلقی نمود که کارکرد آن،

¹ Soule

زمینه‌سازی برای هدایت افراد جامعه توسط نظام اجتماعی است؛ کاری که از طریق برقراری رابطه تعاملی و چند سویه مربی و متربی صورت می‌پذیرد (حیدری و ساجدی، ۱۳۹۲). بعد از تعریف ماهیت تربیت سیاسی و اجتماعی به صورت منفک لازم است به تعریف تربیت سیاسی و اجتماعی اشاره کرد؛ رجیبان (۱۳۸۹) معتقد است، تربیت سیاسی و اجتماعی، ایجاد زمینه‌ها، رفع موانع و استفاده از عوامل و شیوه‌های مؤثر به منظور پرورش و شکوفایی استعداد‌های سیاسی و اجتماعی متربی و ایجاد تعادل و هماهنگی میان آن‌ها تا متربی در روندی تدریجی و مستمر، با اراده‌ای آزاد و فعال، به شکل درونی، به هدف غایی تربیت یعنی قرب الهی رهنمون شود. با توجه به آنچه گفته شد، لازم است نظام آموزش و پرورش با شناخت ماهیت تربیت سیاسی و اجتماعی به عنوان یکی از مهم‌ترین نیازهای اساسی فراگیران، موثرترین راهبردهای اصولی و حقیقی در جهت تحقق تربیت همه جانبه فراگیران را ایجاد نماید؛ تا بدین وسیله نظام آموزش و پرورش به اهداف از پیش تعیین شده دست یابد. در همین راستا، معمولاً نظام آموزش و پرورش مسئول آماده‌سازی افراد برای زندگی در اجتماع می‌باشد و با روشن شدن اهداف و برنامه می‌توان در جهت اثربخشی اصولی و اساسی این سازمان گام برداشت.

درباره میزان اثربخشی نظام آموزش و پرورش در تربیت سیاسی و اجتماعی، دانش‌آموزانی که دوره دیپلم را گذرانده‌اند و در حال تحصیل دوره کارشناسی در دانشگاه فرهنگیان هستند، تاکنون پژوهش مستقلی صورت نگرفته است؛ اما تحقیقاتی در رابطه با عوامل مؤثر بر تربیت سیاسی و اجتماعی انجام شده است. در تأیید مطلب فوق می‌توان به نتایج ارزیابی‌هایی که محققان نیز در این زمینه انجام داده‌اند، اشاره کرد.

اطلاعات به دست آمده از میزان اثربخشی برنامه درسی تربیت سیاسی مقطع متوسطه از دیدگاه دبیران و دانش‌آموزان نشان داد که این برنامه از نظر دانش‌آموزان کاملاً غیر اثربخش است. (امینی و همکاران، ۱۳۸۸) و اطیایی (۱۳۸۵) در تحقیق خود عنوان کرد، مدارس و معلمان از لحاظ تغییر افراد نقش مهمی برعهده دارند و معلمان با انتقال نگرش‌های جدید زمینه‌های اخلاقی، عاطفی، سیاسی و موجب تغییر و پرورش اجتماعی دانش‌آموزان می‌گردد و زنگنه (۱۳۸۲) طی تحقیق خود عوامل فرهنگی مؤثر بر جامعه‌پذیری دانش‌آموزان مقاطع

راهنمایی و متوسطه استان بوشهر را متغیرهای تحصیلی والدین، وضعیت تحصیلی پاسخگویان، والدین، مدارس و معلمان معرفی کرد.

یافته‌های پژوهشی دیگری چون هزار جریبی و همکاران (۱۳۹۳) به منظور بررسی عوامل موثر در روند جامعه‌پذیری سیاسی دانشجویان در ج.ا.ا نشان داد که نهادهای دولتی، غیر دولتی و تشکل‌های دانشگاهی در شکل‌گیری تربیت سیاسی و اجتماعی دانشجویان موثر است و همچنین سبزی‌پور (۱۳۹۱) در تحقیقی با عنوان «نقش معلمان در فرایند جامعه‌پذیری»، عواملی چون خانواده، مدرسه، معلمان، همسالان و رسانه‌های جمعی را در تربیت اجتماعی موثر دانست و معتقد است معلمان، مهم‌ترین کارگزاران تعلیم و تربیت، به طور مستقیم یا غیر مستقیم در تعالیم اجتماعی موثرند. نتایج حاصل از تحقیق لنگتون^۱ (۱۹۶۹) نشان داد که پیرامون نقش مدرسه و آثار معلمان و گروه‌های همسالان، باورهای سیاسی معلم، اثر بالقوه مهمی در تقویت اهداف تعیین شده برنامه درسی آموزشی دارد و همچنین هریس^۲ (۱۹۹۵) معتقد است که، نقش مدرسه را باید به عنوان کنترل اجتماعی در نظر گرفت و همچنین سعی می‌کند که تا حد زیادی به القا دانش، نگرش و مهارت به دانش‌آموزان پردازد و آنان را برای شهروندی آینده آماده سازد (قلتاش، ۱۳۹۱). در تایید مطالب فوق بولیس^۳ (۲۰۰۳) عنوان کرده است که، از مهم‌ترین موسسات رسمی که به فرایند تربیت سیاسی می‌پردازند، مدارس عام منسوب به حکومت، دانشگاه‌ها و مراکز آموزشی است که به ارائه‌ی شیوه‌های مطالعاتی معینی از طبیعت جامعه و نظام سیاسی و مکتب سیاسی عام آن می‌پردازند.

حال از آنجا که آموزش و پرورش به عنوان مهم‌ترین نهاد تعلیم و تربیت رسمی عمومی، متولی اصلی فرآیند تعلیم و تربیت در همه ابعاد و ساحت‌های تعلیم و تربیت در کشور می‌باشد، بررسی عملکرد این نهاد در انجام مأموریت و رسالتی که در زمینه تربیت سیاسی و اجتماعی دانش‌آموزان بر عهده دارد، می‌تواند میزان اثربخشی نظام آموزش و پرورش را در فراهم ساختن زمینه دستیابی دانش‌آموزان به مراتبی از تربیت سیاسی و اجتماعی به منظور

¹ langton

² harris

³ Bullis

نقش آفرینی در تربیت سیاسی و اجتماعی ارائه نماید. در همین راستا، مطالعه حاضر در پی آن است که موفقیت نظام آموزش و پرورش را در تربیت سیاسی و اجتماعی دانش‌آموزان مورد ارزیابی قرار دهد؛ تا جایی که فرض اصلی مقاله آن است که با بررسی و واکاوی دیدگاه دانشجو معلمان می‌توان گامی اساسی و اصولی در جهت پیشبرد روش‌های آموزشی تربیت سیاسی و اجتماعی در دانشگاه فرهنگیان برداشته شود و از این طریق معلمان تربیت یافته در دانشگاه فرهنگیان، در نسل آینده می‌توانند با ماهیت راهبردهای اصلی تربیت سیاسی و اجتماعی آشنا شوند.

روش پژوهش

پژوهش حاضر از نظر هدف، کاربردی و به لحاظ شیوه اجرای تحقیق و جمع‌آوری داده‌ها، تحقیقی توصیفی از نوع پیمایشی می‌باشد؛ زیرا در پی آن است که میزان موفقیت نظام آموزش و پرورش در تربیت سیاسی و اجتماعی دانش‌آموزان را مورد توصیف و بررسی قرار دهد.

جامعه آماری این پژوهش شامل دانش‌آموختگان آموزش و پرورش استان فارس می‌باشد. برای انتخاب نمونه آماری، تعداد ۱۸۰ نفر دانشجو (به عنوان دانش‌آموخته نظام آموزش و پرورش) به روش نمونه‌گیری در دسترس از بین تمامی دانشجویان ورودی ۹۳-۱۳۹۲ دانشگاه فرهنگیان استان فارس انتخاب شدند.

برای جمع‌آوری داده‌های مورد نیاز تحقیق، از پرسشنامه محقق ساخته استفاده گردید. برای این منظور با استفاده از اهداف در نظر گرفته شده در زمینه سیاسی و اجتماعی مربوط به دوره‌های ابتدایی و متوسطه آموزش و پرورش جمهوری اسلامی ایران (شورای عالی آموزش و پرورش، ۱۳۹۲)، عبارات مورد نظر در قالب دو پرسشنامه (شامل تربیت سیاسی و تربیت اجتماعی) در مقیاس لیکرت تنظیم گردید که میزان موفقیت نظام آموزش و پرورش در تربیت سیاسی و تربیت اجتماعی دانش‌آموزان را از نظر دانش‌آموختگان روی یک مقیاس پنج درجه‌ای (از خیلی کم تا خیلی زیاد) می‌سنجید.

روایی محتوایی پرسشنامه با استفاده از روش تحلیل گویه بررسی و مورد تایید قرار گرفت که ضریب همبستگی گویه‌ها به صورت کم‌ترین و بیشترین میزان در دامنه‌ای بین ۰/۴۰ و ۰/۶۸ در سطح ۰/۰۱ معناداری به دست آمد. پایایی ابزار نیز با محاسبه ضریب آلفای کرونباخ به میزان ۰/۹۶ تایید گردید.

نتایج

از مجموع ۱۸۰ پرسشنامه توزیع شده، ۱۵۲ پرسشنامه تکمیل شده به دست آمد. اطلاعات جمعیت‌شناختی دانشجویان مورد مطالعه در جدول ۱ خلاصه شده است.

جدول ۱. مشخصات جمعیت‌شناختی دانشجویان مورد مطالعه

مشخصات	تعداد	درصد
جنسیت		
پسر	۷۲	
دختر	۸۰	
رشته تحصیلی		
علوم پایه	۴۱	
علوم تربیتی	۱۱۱	
جمع	۱۵۲	۱۰۰

سؤال اول: از دیدگاه دانش‌آموختگان، نظام آموزش و پرورش تا چه اندازه در تربیت سیاسی دانش‌آموزان موفق بوده است؟

جدول شماره (۲) میانگین موفقیت نظام آموزش و پرورش در تربیت سیاسی دانش‌آموزان و نیز مقایسه آن با معیارهای سطح کفایت قابل قبول (Q_2) و سطح کفایت مطلوب (Q_3) را نشان می‌دهد. بر اساس نتایج این جدول، میانگین موفقیت نظام آموزش و پرورش در تربیت سیاسی دانش‌آموزان از سطح کفایت مطلوب ($Q_3=4$) پایین‌تر می‌باشد و بر اساس مقدار t به دست آمده در درجه آزادی ۱۵۱ تفاوت معناداری در سطح ۰/۰۰۱ بین این دو میانگین به

دست آمده است. همچنین ملاحظه می شود که میانگین موفقیت نظام آموزش و پرورش در تربیت سیاسی دانش آموختگان (۱/۹۶) پایین تر از سطح کفایت قابل قبول ($Q_2=3$) می باشد و بر اساس مقدار t به دست آمده در درجه آزادی ۱۵۱ تفاوت معناداری در سطح ۰/۰۰۰۱ بین این دو میانگین وجود دارد. این یافته ها به آن معنا است که از نظر دانش آموختگان، موفقیت نظام آموزش و پرورش در تربیت سیاسی دانش آموزان از سطح کفایت قابل قبول نیز پایین تر است.

جدول ۲. میزان موفقیت نظام آموزش و پرورش در تربیت سیاسی دانش آموزان

متغیر	میانگین	انحراف استاندارد	سطح کفایت قابل قبول (Q_2)	مقدار t	درجه آزادی	سطح معناداری	سطح کفایت مطلوب (Q_3)	مقدار t	سطح معناداری
سیاسی	۱/۹۶	۰/۶۲	۳	۲۰/۵۴	۱۵۱	۰/۰۰۰۱	۴	۴۰/۳۲	۰/۰۰۰۱

سؤال دوم: از دیدگاه دانش آموختگان، نظام آموزش و پرورش تا چه اندازه در تربیت

اجتماعی دانش آموزان موفق بوده است؟

جدول شماره (۳)، میانگین موفقیت نظام آموزش و پرورش در تربیت اجتماعی دانش آموزان و نیز مقایسه آن با معیارهای سطح کفایت قابل قبول (Q_2) و سطح کفایت مطلوب (Q_3) را نشان می دهد. بر این اساس، میانگین موفقیت نظام آموزش و پرورش در تربیت اجتماعی دانش آموزان، از سطح کفایت مطلوب ($Q_3=4$) پایین تر می باشد و بر اساس مقدار t به دست آمده در درجه آزادی ۱۵۱ تفاوت معناداری در سطح ۰/۰۰۰۱ بین این دو میانگین به دست آمده است. همچنین، میانگین موفقیت نظام آموزش و پرورش در تربیت اجتماعی دانش آموزان (۲/۰۳) پایین تر از سطح کفایت قابل قبول ($Q_2=3$) می باشد، اما بر اساس مقدار t به دست آمده در درجه آزادی ۱۵۱ تفاوت معناداری در سطح ۰/۰۰۰۱ بین این دو میانگین وجود دارد. این یافته ها به آن معنا است که از نظر پاسخ دهندگان موفقیت نظام آموزش و پرورش در تربیت اجتماعی دانش آموزان از سطح کفایت قابل قبول نیز پایین تر می باشد.

جدول ۳. میزان موفقیت نظام آموزش و پرورش در تربیت اجتماعی دانش‌آموزان

متغیر	میانگین	انحراف استاندارد	سطح کفایت قابل قبول (Q2)	مقدار t	درجه آزادی	سطح معناداری	سطح کفایت مطلوب (Q3)	مقدار t	سطح معناداری
اجتماعی	۲/۰۳	۰/۷۱	۳	۱۶/۶۲	۱۵۱	۰/۰۰۰۱	۴	۳۳/۸۸	۰/۰۰۰۱

سؤال سوم: آیا بین دیدگاه دانشجویان رشته‌های علوم تربیتی و علوم پایه دانشگاه فرهنگیان در مورد میزان موفقیت نظام آموزش و پرورش در تربیت سیاسی و اجتماعی دانش‌آموزان تفاوت معنی‌داری وجود دارد؟

یافته‌های پژوهش نشان داد که در مجموع، میانگین نمره دیدگاه دانشجویان رشته علوم تربیتی در زمینه تربیت سیاسی و اجتماعی نسبت به دانشجویان رشته علوم پایه بالاتر بود. به کارگیری آزمون t مستقل نشان داد که بین دیدگاه دانشجویان رشته‌های علوم تربیتی و علوم پایه دانشگاه فرهنگیان در مورد تربیت سیاسی و اجتماعی تفاوت معناداری (در سطح ۰/۰۵) وجود دارد. حاصل آزمون t در جدول (۴) خلاصه شده است.

جدول ۴. مقایسه دیدگاه دانشجویان رشته‌های علوم تربیتی و علوم پایه دانشگاه فرهنگیان در مورد میزان موفقیت نظام آموزش و پرورش در تربیت سیاسی و اجتماعی

ابعاد تربیت	رشته	تعداد	میانگین	انحراف استاندارد	t	درجه آزادی	سطح معناداری
تربیت سیاسی	علوم تربیتی	۱۱۱	۲/۰۲	۰/۶۰	۲/۲۳	۱۵۰	۰/۰۵
	علوم پایه	۴۱	۱/۷۷	۰/۶۴			
تربیت اجتماعی	علوم تربیتی	۱۱۱	۲/۱۱	۰/۶۸	۲/۳۰	۱۵۰	۰/۰۵
	علوم پایه	۴۱	۱/۸۱	۰/۷۵			

سؤال چهارم: آیا بین دیدگاه دانشجویان پسر و دختر دانشگاه فرهنگیان در مورد میزان موفقیت نظام آموزش و پرورش در تربیت سیاسی دانش آموزان تفاوت معنی داری وجود دارد؟

آزمون آماری t مستقل، اختلاف معناداری بین دیدگاه دانشجویان پسر و دختر در مورد میزان موفقیت نظام آموزش و پرورش در تربیت سیاسی و اجتماعی دانش آموزان نشان نداد.

بحث، نتیجه گیری و پیشنهادات

این مطالعه به ارزیابی میزان موفقیت نظام آموزش و پرورش در تربیت سیاسی و اجتماعی دانش آموزان از دیدگاه دانش آموختگان آموزش و پرورش استان فارس پرداخته و هدف آن بررسی میزان اثربخشی آموزش و پرورش در تربیت سیاسی و اجتماعی دانش آموزان است.

از یافته‌های این پژوهش که در پاسخ به سؤال اول به دست آمده است، می‌توان نتیجه گرفت که از دیدگاه دانش آموختگان، نظام آموزش و پرورش در تربیت سیاسی دانش آموزان موفق نبوده است؛ به طوری که موفقیت نظام آموزش و پرورش در تربیت سیاسی دانش آموزان از سطح کفایت قابل قبول نیز پایین تر است.

همچنین بر اساس نتایج به دست آمده در پاسخ به سؤال دوم پژوهش، این گونه استنباط می‌شود که از دیدگاه دانش آموختگان، نظام آموزش و پرورش در تربیت اجتماعی دانش آموزان عملکرد موفقیت آمیزی نداشته است. در این رابطه نیز میزان موفقیت نظام آموزش و پرورش در تربیت اجتماعی دانش آموزان از سطح کفایت قابل قبول نیز پایین تر می‌باشد.

در پاسخ به سؤال سوم تحقیق، نتایج نشان داد که، بین دیدگاه دانشجویان رشته‌های علوم تربیتی و علوم پایه دانشگاه فرهنگیان در مورد میزان موفقیت نظام آموزش و پرورش در تربیت سیاسی و اجتماعی دانش آموزان تفاوت معناداری وجود دارد؛ که در مجموع میانگین نمره دیدگاه دانشجویان رشته علوم تربیتی در زمینه تربیت سیاسی و اجتماعی نسبت به دانشجویان رشته علوم پایه بالاتر بود.

همچنین نتایج حاصل از تجزیه و تحلیل داده‌ها در پاسخ به سؤال چهارم پژوهش، حاکی از آن است که بین دیدگاه دانشجویان پسر و دختر دانشگاه فرهنگیان در مورد میزان موفقیت نظام آموزش و پرورش در تربیت سیاسی دانش‌آموزان تفاوت معناداری وجود ندارد.

حال به طور کلی نتایج به دست آمده در این تحقیق نشان می‌دهد که دانش‌آموختگان آموزش و پرورش معتقدند که نظام آموزشی کشور، در راه تحقق اهداف سیاسی و اجتماعی که برای تربیت دانش‌آموزان در دوره‌های مختلف تحصیلی پیش‌بینی شده، موفق نبوده است. به عبارت دیگر، نظام آموزش و پرورش در تربیت سیاسی و اجتماعی دانش‌آموزان نتوانسته انتظارات را حتی در حد قابل قبول برآورده نماید. نتایج چنین تحقیقی بیانگر این مطلب است که نظام آموزش و پرورش در سازماندهی، تقویت و آموزش درونی تربیت سیاسی و اجتماعی، اقدامات اصولی و اساسی در پیش نگرفته است و می‌توان علل و عوامل چنین مشکلات و معایبی را در برنامه‌ریزی‌های نظام آموزش و پرورش جست و جو کرد و شاید یکی از مهم‌ترین این علت‌ها را می‌توان تئوری و غیر کاربردی آموزش دادن مفاهیم و تعابیرهای تربیت سیاسی و اجتماعی دانست و با وجود آنکه در مدارس به مولفه‌های اساسی تربیت سیاسی و اجتماعی به صورت محدود پرداخته می‌شود و در قالب امتحانات مورد ارزشیابی قرار می‌گیرد؛ ولی در دنیای واقعی از فراگیران خواسته نمی‌شود که به صورت عملی این مفاهیم را به کار ببرند. در نتیجه، وجود چنین مشکلی ریشه در ضعف‌ها و نارسایی‌هایی دارد که سال‌هاست دست به گریبان این نظام می‌باشد و امروزه لزوم تغییر و تحول بنیادین در نظام آموزش و پرورش را ضروری ساخته است.

طی بررسی‌های انجام شده در این پژوهش می‌توان اظهار کرد که برنامه‌ها و رویکردهایی در جهت آموزش کاربردی تربیت سیاسی و اجتماعی در مدارس طراحی نشده است و در حال حاضر، فراگیران، تنها توانایی ارائه توضیحات بسیار نامفهوم و شناخت و آگاهی بسیار محدود از تربیت سیاسی و اجتماعی دارند. در همین رابطه به عقیده مللور^۱ (۱۹۹۷)، عدم شناخت و آگاهی دانش‌آموزان نسبت به فرآیندهای سیاسی و اجتماعی نهایتاً منجر به بی‌تفاوتی و

^۱ Mellor

بی توجهی آن‌ها به مسائل و پدیده‌های سیاسی و اجتماعی پیرامون خود شده است. از نظر وی علت اصلی این وضعیت نامناسب، فقدان یک برنامه درسی جامع، منسجم و مدون است که از طریق آن می‌توان عملاً آگاهی‌ها و بینش‌های لازم در مورد پدیده‌ها و جریان‌های سیاسی و نیز مهارت‌های اصلی تصمیم‌گیری جهت رفع تعارضات را در مدرسه به دانش‌آموزان ارائه و آموزش داد. در تایید مطلب فوق می‌توان به مطالعه‌ی امینی و همکاران (۱۳۸۸) اشاره کرد که طی این بررسی نشان داد، میزان اثربخشی برنامه درسی تربیت سیاسی مقطع متوسطه از دیدگاه دبیران و دانش‌آموزان از نظر دانش‌آموزان کاملاً غیر اثربخش است و می‌توان دلیل اصلی این مشکل را در اجرای نامناسب برنامه‌های درسی عنوان کرد. همچنین در پژوهشی دیگر، افهمی (۱۳۸۵) در خصوص محتوای سیاسی کتب درسی ابتدایی مفاهیم و آموزه‌های سیاسی در سه بخش آموزشی، نگرش و رفتار سیاسی مورد بررسی قرار گرفت که نهایتاً رفتار سیاسی کمتر در دروس دوره‌ی ابتدایی آموزش داده شده است و هدف، صرفاً ارائه‌ی اطلاعات یا دانش‌های سیاسی به دانش‌آموزان بوده است.

بنابر گفته‌ی گاتمن^۱ (۱۹۸۹) تربیت سیاسی دانش‌آموزان و شهروندان، آن‌ها را برای مشارکت فعالانه در فرآیند بازسازی، اصلاح و بهبود آگاهانه جامعه خویش آماده می‌سازد و طبق بررسی‌های انجام شده در این تحقیق، فراگیران روحیه، اشتیاق، توجه و احترام لازم را در رابطه با مسائل سیاسی ندارند، تا جایی که تلاش و اقدامات آن‌ها در این زمینه بسیار محدود است.

حال بنا به گفته‌های فوق، نظام آموزشی، مسئولیت‌پذیری، انجام تکالیف فردی و اجتماعی، تحلیل و بررسی مسائل اجتماعی، آموزش روابط جمعی، نقادی و نقدپذیری و... را در فراگیران به شیوه‌ی صحیح و اصولی تعلیم نمی‌دهد؛ به روابط و تعاملات گروهی، فرصت بحث و استدلال، ارائه اظهار نظر و پرورش تفکر نمی‌پردازند، بلکه دانش‌آموزان را به درس خواندن و موفقیت و پیشرفت تحصیلی تشویق می‌کنند. تورنی و همکاران^۲ (۱۹۶۷) در

¹ Gutmann

² Tourni et al

تحقیقات خود به این نتیجه دست یافتند که آموزش و پرورش رسمی و به طور خاص مدارس عمومی، یکی از مهمترین و مؤثرترین عوامل در جامعه‌پذیری سیاسی افراد محسوب می‌شوند (ایچیلو^۱، ۱۹۹۰)؛ اما طبق مطالعه‌ی انجام شده تاکید مدارس بیشتر در جهت پرورش و تقویت محفوظات کتب‌های درسی می‌باشد. تا جایی که صمد آقایی (۱۳۸۵) معتقد است، نظام آموزشی مبتنی بر تفکر عمودی یا منطقی که در آن گفتار و کردار فی‌البداهه کودک تبدیل به گفتار و کرداری استاندارد و کلیشه‌ای می‌گردد، نظام آموزشی که عین مطلب را تحویل دهد، آموزشی که روش خاص را تعیین کرده و آن را اجباری می‌کند، نظام آموزشی‌ای که معلم به شاگرد می‌گوید: فکر کردن را رها کن و به من گوش بده؛ و به طور کلی نظام آموزشی‌ای که کودکان را جام‌های خالی می‌داند که باید معلم آن‌ها را پر کند و یا گل‌های کوزه‌گری که باید به دلخواه رنگ و شکل گیرند، یکی از بزرگترین موانع بر سر راه تربیت به معنای صحیح آن هستند. این مورد تا به جایی است که علاقه‌بند (۱۳۸۲) بقا و پویایی هر جامعه را در گرو انتقال باورها، نگرش‌ها، آگاهی‌ها، مهارت‌ها و ارزش‌های اجتماعی، فرهنگی و سیاسی به نسل جوان می‌داند و بنابر مضامین گفته شده، نظام تعلیم و تربیت در مسیر تربیت سیاسی و اجتماعی دانش‌آموزان لازم است فراگیران خود را در جهت شناخت و آگاهی از اصول، مبانی و احترام به مظاهر سیاسی و اجتماعی در مسیر علاقه‌مندی و توجه به مسائل مشترک بشری، همکاری و توسعه روابط فرهنگی، رعایت حقوق دیگران، اعتبار بخشیدن به دیدگاه‌های دیگران، توانایی دفاع از میهن و تمایل و علاقه‌مندی به تشکیل خانواده تمرکز و توجه بیشتری مبذول دارند.

از میان تمامی فراگردهای مؤثر بر خصلت نظام‌های سیاسی و اجتماعی، فراگرد آموزش و فراگیری از همه مهم‌تر است (بلوم^۲، ۱۳۷۳) به طوری که می‌توان مهم‌ترین سازمان و نهاد تعلیم و یاددهی را مدارس معرفی کرد. به طور کلی جامعه‌پذیری در مدرسه از خلال ساختار آموزشی، سازمان مدرسه، محتوای برنامه درسی، منابع آموزشی و کمک آموزشی، فضای کلاس و نحوه‌ی تدریس، نظام ارتباطی و فضای اجتماعی مدرسه و آیین‌ها و رسوم جاری حاصل می‌شود (رابرتسون، ۱۳۷۷)؛ تا جایی که در مطالعه‌ی انجام شده، نقش بیشتر مدرسان

¹ ichilov

² Bloom

به عنوان انتقال دهنده اطلاعات از یاد دهنده به یادگیرنده معرفی گشت و معلمان روش‌ها و شیوه‌های متنوع آموزشی تربیت سیاسی و اجتماعی برای فراگیران اعمال نمی‌کردند. همچنین در مطالعه‌ی ربانی و همکاران (۱۳۸۷) طی تحلیل و بررسی نقش معلمان بر میزان جامعه‌پذیری سیاسی دانش‌آموزان دوره متوسطه، یافته‌های تحقیق نشان داد که با تغییر نگرش و جهت‌گیری سیاسی و اجتماعی معلمان، نگرش و جهت‌گیری سیاسی و اجتماعی دانش‌آموزان نیز تغییر می‌یابد و همچنین راسل و همکاران^۱ (۱۹۸۱) در تحقیق خود ارتباط میان رفتار معلم نسبت به دانش‌آموزان را با شکل‌گیری نگرش‌های سیاسی در آن‌ها مورد بررسی قرار داده و نتیجه می‌گیرند که شیوه، نوع برخورد و تعامل معلم با دانش‌آموزان بر روی ایجاد و رشد نگرش‌های سیاسی و اجتماعی آنان تاثیر می‌گذارد. همچنین آن‌ها تاکید می‌کنند، هنگامی که معلم با دانش‌آموزان به گونه‌ای منصفانه برخورد کرده و نسبت به دیدگاه‌ها و مشکلات آن‌ها توجه و علاقه‌مندی نشان می‌دهد، دانش‌آموزان نیز به لحاظ سیاسی کمتر دچار بی‌تفاوتی و بدبینی می‌گردند.

حال با توجه به مطالب بالا می‌توان عنوان کرد که تجزیه و تحلیل بررسی‌های انجام شده این تحقیق نشانگر آن است که اگر چه بیشتر محققان و پژوهشگران، آموزش و تعلیم مدرسه ای را عامل اصلی و کلیدی در پرورش و شکوفایی تربیت سیاسی و اجتماعی می‌دانند؛ اما ارگان‌ها و نهادهای بیرونی از مدرسه که نقش حمایتی از سازمان مدرسه دارند، نیز می‌توانند در تقویت تربیت سیاسی و اجتماعی موثر باشند و علاوه بر نکات گفته شده در تربیت سیاسی و اجتماعی عواملی چون زمینه‌های فرهنگی خانواده، علایق سیاسی آن‌ها و نیز مشارکت در گروه‌های داوطلبانه محلی و اجتماعی نیز در رشد سیاسی و اجتماعی فراگیران تاثیر فراوانی دارد.

به طور خلاصه و با توجه به نتایج این تحقیق می‌توان اذعان کرد که میزان اثربخشی نظام آموزش و پرورش در تربیت سیاسی و اجتماعی ناموفق بوده است. وجود چنین مشکلاتی چون عدم پیشرفت و رسیدن به اهداف از پیش تعیین شده تربیت سیاسی و اجتماعی آموزش و

^۱ Rossel et al

پرورش، الزام می‌دارد که مدارس به عنوان اصلی‌ترین عامل اجرایی در نظام تعلیم و تربیت در ساختار و چارچوب آموزشی، روش‌های یاددهی معلم، اجرای محتوای برنامه درسی، نحوه‌ی برقراری ارتباط با فراگیران و شیوه‌های ارزشیابی تغییراتی را اعمال نماید. همچنین می‌توان اثربخش‌ترین مسیرهای رسیدن به تربیت سیاسی و اجتماعی در جهت تحقق اهداف آموزش و پرورش را فراهم آوردن فضای مشارکتی در مدارس، توانایی دوست‌یابی، سپردن مسئولیت‌های گروهی و فردی، آموزش احترام به فرهنگ‌های مختلف، فرصت مذاکره و تحلیل سیاسی در مدارس توسط معلمان و کارکنان معرفی کرد. تا جایی که لازم است معلمان توجه و تکیه به نمرات امتحانات را تغییر دهند و سعی نمایند ساحت‌های تربیت را مهم‌تر از آموزش تلقی کنند و در نهایت آموزش مفاهیم را به گونه‌ای به فراگیران انتقال دهند تا بدین وسیله رویکرد حافظه محوری، انتقال اطلاعات و معلومات و توجه به مطالب تئوری کتاب‌های درسی را مورد نقد و بررسی قرار دهند و با استفاده از روش‌های درونی کردن مفاهیم میزان مشارکت فراگیران را افزایش دهند.

بنابر آنچه گفته شد، نظام آموزش و پرورش در حال حاضر در جهت تحقق اهداف تربیت سیاسی و اجتماعی جهت‌گیری مثبت و رو به پیشرفتی را تا به امروز طی نکرده است و بایستی با یک نگاه نقادانه و متفکرانه به این موضوع، شرایط موجود را به سمت هدف اصلی سند تحول بنیادین یعنی رسیدن به مراتب حیات طیبه رهنمود ساخت.

همچنین هر طرح تحقیقاتی که اجرا می‌شود، ممکن است چندین مزیت و محدودیت داشته باشد. در این طرح نو بودن ایده در بررسی دانشگاه فرهنگیان از جمله مزایا و عدم همکاری تمامی دانشجویان دانشگاه فرهنگیان و عدم مشارکت تمامی دانشگاه‌های استان فارس در اجرای این تحقیق و عدم تعمیم نتایج به دلیل نمونه‌گیری در دسترس را به عنوان محدودیت‌های این طرح می‌توان نام برد.

حال با توجه به نتایج تحقیق صورت گرفته شده، در زیر تعدادی پیشنهاد جهت موفقیت اجرای تربیت سیاسی و اجتماعی در جهت تحقق اهداف آموزش و پرورش ذکر شده است. این موارد عبارتند از:

۱. دانش آموختگان معتقد بودند که، تربیت سیاسی و تربیت اجتماعی مطابق با اهداف آموزش و پرورش در مدارس آموزش داده نشده است؛ بنا بر نتایج به دست آمده لازم است که، دوره‌ها و کارگاه‌های آموزشی جهت آشنایی معلمان با مفاهیم و تعابیر تربیت سیاسی و اجتماعی برگزار شود؛ تا بدین وسیله معلمان با مفاهیم اصولی و اساسی تربیت سیاسی و اجتماعی آشنا شوند و همچنین لازم است که در دانشگاه فرهنگیان، دوره‌هایی جهت ارائه تجارب آموزشی معلمان با تجربه و کار آزموده برای دانشجویان (دانشجو معلمان) برگزار شود؛ تا از این طریق معلمان تجارب عملی خود را در رابطه با شیوه‌های آموزش دادن تربیت سیاسی و اجتماعی عنوان کنند.

۲. ارزیابی عملکرد و روش‌های تدریس معلمان در جهت آموزش تربیت سیاسی و اجتماعی، یکی از مهمترین فعالیت‌هایی است که بایستی توسط آموزش و پرورش اعمال شود؛ زیرا از این طریق عملکرد شیوه‌های آموزشی معلمان بررسی می‌شود و می‌توانند در روش‌های خود تغییراتی ایجاد کنند.

۳. برنامه‌ها و اقدامات فعالانه در مدارس جهت فعالیت و ایجاد روحیه همکاری و همیاری در تربیت اجتماعی دانش آموزان در مدراس بایستی اجرا شود و مدارس دانش آموزان را در فعالیت‌های گروهی و مشارکتی شرکت دهد.

۴. روش‌های آموزشی و کاربردی در جهت تفهیم مفاهیم تربیت سیاسی و اجتماعی توسط معلمان لازم است که اجرا شود و مدارس بایستی نگرش حافظه محوری خود را تغییر دهند و اقدامات کاربردی در جهت تربیت سیاسی و اجتماعی دانش آموزان انجام دهند.

منابع

اطیابی، سیده فریبا، (۱۳۸۵)، «نقش معلم در جامعه‌پذیری دانش آموزان»، پیوند، نشریه ماهانه آموزشی و تربیتی، شماره ۳۲۹.

افهمی، بنفشه، (۱۳۸۵)، «بررسی مضامین و آموزه‌های سیاسی در کتاب‌های درسی دوره‌ی ابتدایی». نشریه پژوهش‌های تربیت اسلامی، شماره ۲، ص ۷ تا ۲۸.

امینی، محمد، صدیق ارفعی، فریبرز و قدمی، ملوک، (۱۳۸۸)، «بررسی اثربخشی برنامه درسی تربیت سیاسی مقطع متوسطه از دیدگاه دبیران و دانش‌آموزان: مطالعه موردی شهر کاشان»، دو ماهنامه علمی-پژوهشی دانشور رفتار، دانشگاه شاهد، سال شانزدهم - شماره ۳۶، صص ۴۱-۵۴.

اهداف دوره‌های ابتدایی، راهنمایی و متوسطه آموزش و پرورش جمهوری اسلامی ایران، قابل دسترسی از:

www.Elementary.Talif.Sch.Ir/?Page_id=49&menu_id=1&menu_item_id=20

بختیاری، ابولفضل، (۱۳۸۶)، «ویژگی‌های مدیر و مدرسه کارا و اثربخش»، پژوهشی آموزش و اطلاع‌رسانی مدرس، شماره ۲.

بلوم، ویلیام، (۱۳۷۳)، نظریه‌های نظام سیاسی، کلاسیک‌های اندیشه و تحلیل سیاسی نوین، ترجمه‌ی احمد تدین، جلد اول، نشر آران.

بهروش، علی، (۱۳۹۱)، آموزش و پرورش و شهروندی، مرکز یادگیری سایت تبیان، قابل دسترسی از سایت: <http://www.tebyan.net/newindex.aspx?pid=231374>

بهشتی، سعید و محمدعلی افخمی اردکانی، (۱۳۸۶)، تبیین مبانی و اصول تربیت اجتماعی در نهج‌البلاغه، تربیت اسلامی، سال دوم، ش ۴.

حیدری، محمد شریف و ابولفضل ساجدی، (۱۳۹۲)، «موانع تربیت اجتماعی کودکان در خانواده امروزی». معرفت، سال بیست و دوم. شماره ۱۹۴، صص ۱۱۵-۱۲۳.

رابرتسون، یان، (۱۳۷۷)، درآمدی بر جامعه، انتشارات آستان قدس رضوی، چاپ سوم.

ربانی، رسول، مسعود جعفری نژاد حامد و سبزی پور، (۱۳۸۷)، «بررسی تحلیل نقش معلمان بر جامعه‌پذیری سیاسی دانش‌آموزان دوره‌ی متوسطه، مطالعه موردی بخش پیر بکران شهر یور» مجله دانشکده علوم اداری و اقتصاد دانشگاه اصفهان، سال ۱۹، شماره ۴.

رجبیان، منصور، (۱۳۸۹)، تربیت اجتماعی سیاسی از منظر قرآن و نهج ابلاغه، قم، دفتر برنامه‌ریزی تربیتی.

زنگنه، محمد، (۱۳۸۲)، «بررسی عوامل فرهنگی مؤثر بر جامعه‌پذیری نوجوانان و جوانان»، کتابداری، آرشیو و نسخه‌پژوهی نامه پژوهش فرهنگی، شماره ۷، صص ۲۹-۵۸.

سبزی‌پور، حامد (۱۳۹۱)، «نقش معلم در فرایند جامعه‌پذیری». فصل‌نامه رشد آموزش علوم اجتماعی، شماره ۵۵.

صمدآقایی، جلیل (۱۳۷۷)، «از کارآفرینی تا جان‌آفرینی»، ماهنامه تدبیر، شماره ۷۸، آبان‌ماه ۱۳۷۷.

علاقه‌بند، علی (۱۳۸۲)، «جامعه‌شناسی آموزش و پرورش». چاپ سی و دوم، تهران: نشر روان.

قلتاش، عباس (۱۳۹۱)، «مبانی اجتماعی و سیاسی تعلیم و تربیت: بررسی تطبیقی رویکردها و دیدگاه‌های تربیت شهروندی»، پژوهش‌نامه مبانی تعلیم و تربیت، ۲ (۱)، ۴۷-۶۴.

مبانی نظری تحول بنیادین در نظام تعلیم و تربیت رسمی عمومی جمهوری اسلامی ایران، شورای عالی انقلاب فرهنگی، ۱۳۹۰.

محمودی، امیر حسین (۱۳۸۶)، «شایستگی حرفه‌ای معلم اثربخش»، پژوهشی آموزش و اطلاع‌رسانی مدرس، شماره ۱.

میرحیدری، اشرف (۱۳۸۶)، «جایگاه معلم در نظام‌های آموزشی»، پژوهش و تحقیقات آموزش و پرورش اصفهان.

هزار جریبی، جعفر، غلامرضا کریمی و عباس فرهادی، (۱۳۹۳)، «بررسی عوامل مؤثر در روند جامعه‌پذیری سیاسی دانشجویان در ج.ا.ا»، علوم سیاسی: پژوهش‌های راهبردی سیاست، شماره ۳۹ (علمی و پژوهشی)، صص ۹۵-۱۲۰.

Bullis, C and B. Bach, (2003), *Socialization Turning Points: An Examination of Change in Organizational Identification*, Paper Presented at the Annual Meeting of the Western Speech Communication Association Spokane, W A. ERIC Document Number ED.

Gutmann, Amy (1989). *Democratic education* Princeton University Press. New Jersey. P. 287.

Ichilov, orit, (1990).»What text books teach Israeli youngsters about democracy».URL: <http://WWW.bis-uni-oldenburg.de>

Langton, Keneth r (1969). *Political socialization*. New York: oxford University press, Inc.

Mellor , Suzanne (1997) Civic understanding and political attitudes. Available at: <http://www.aare.edu.au/97pap/mells253.ht>.

Rossel , Christine H. Hawley , willis D. (1981) The relationship between teacher behavior toward students and student political attitudes: The development of political cynicism. Available at: http://www.eric.ed.gov/ERIC_Web_Portal.

Soule, Suzanne Ruby (2003). *The crucible of democracy: civic education in Bosnia and Herzegovina (dissertation)*. University of California, Santa Barbara. Available in. www.proquest.com.